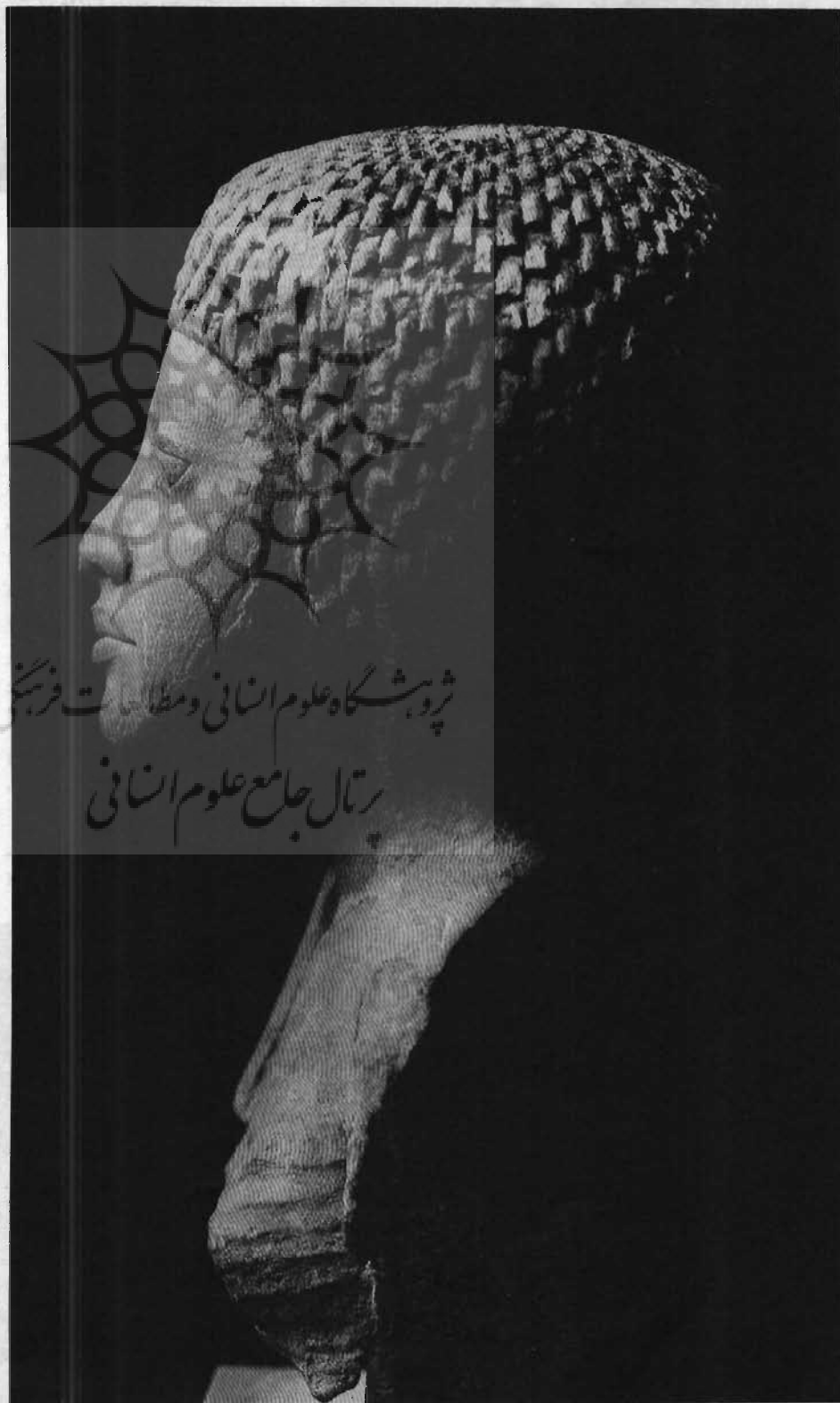


زندگی روزمره در سرزمین فراعنه

نوشته: کریستین دروش نوبل کور

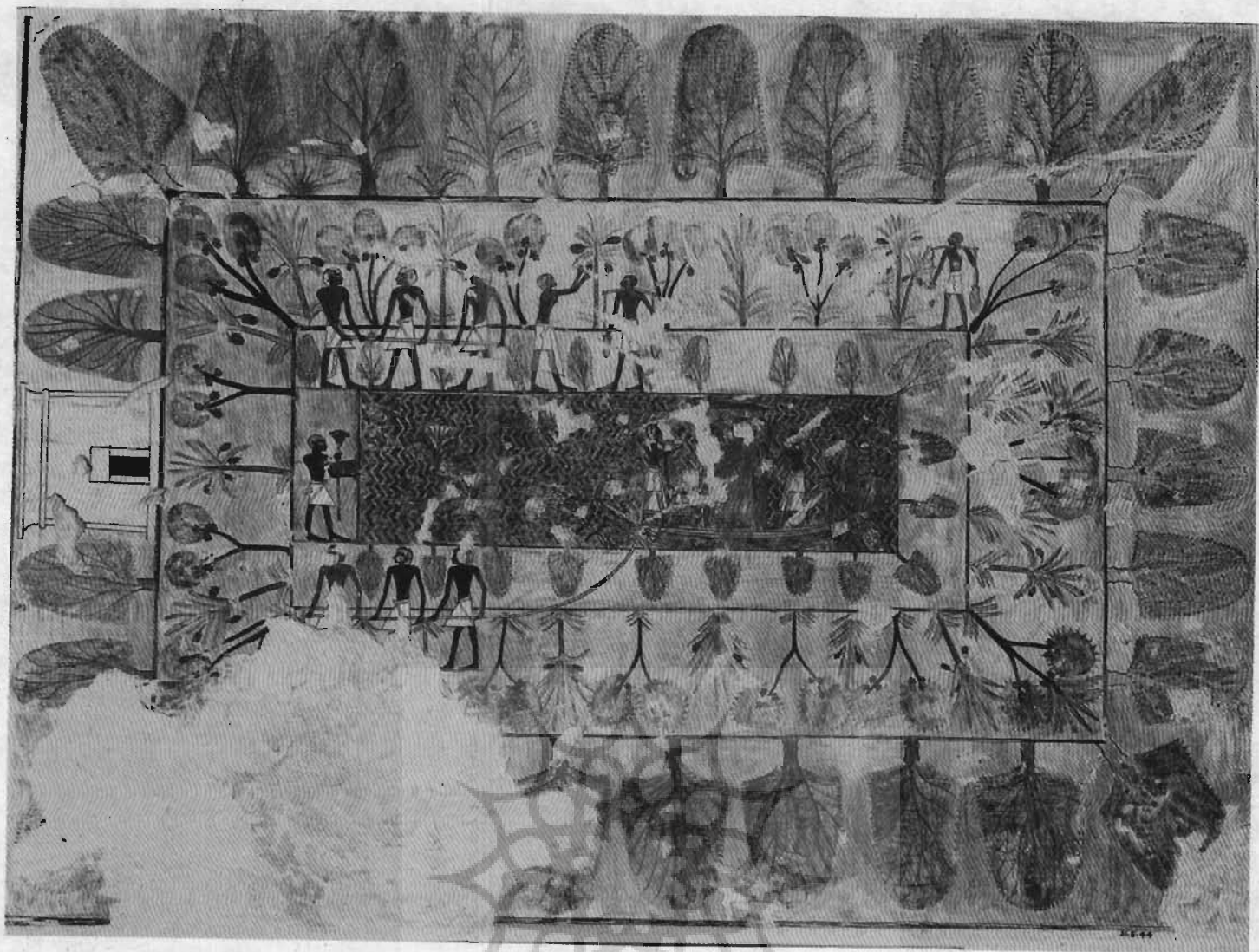


حتی مسافر ناآشنا، در طول سواحل نیل، که با آنسار شکوهمند عصر فراعنه پر شده است، بی‌درنگ تحت تأثیر ویژگیهای اساسی تمدن درخشان مصر باستان قرار می‌گیرد - احساس مذهبی عمیق در معابد و آرامگاههای عظیم تجلی می‌یابد، و عشقی پر شور و شدید به زندگی به صورت تصاویر نقاشی و حجاری شده بی‌پایان دیوارهای داخلی یادمانهای تدفینی را تزیین می‌کند.

مطالعه این دو منبع آشکار می‌سازد که معابد مصری هرگز برای جذب مؤمنین و استغناء آنها به درگاه خداوند در نظر گرفته نشده بودند. آنها جایگاههای مقدسی بودند که در درجه نخست برای حفظ تشکیلات عالم هستی از طریق توجهات بسیار دقیق فرعون، نماینده دنیوی قدرت و مشیت الهی، و کاهن بزرگ با سلسله مراتبی از کاهنان در اطرافش، طرح‌ریزی شده بود. مردم عادی اجازه ورود به این بناهای مقدس را نداشتند. آنها غرق در وجود خداوند، مانند «همه موجوداتی که در زمین، در هوا و در زیر آب زندگی می‌کنند» (از جمله دنیای گیاهان و معادن)، بدون رفت و آمد زیاد به معابد، خالق خویش را در همه مظاهر طبیعت می‌شناختند و پرستش می‌کردند. برای آنها مرگ به سادگی یک بله سنگی بود که آنان را به خداوند نزدیکتر می‌کرد، و در تزیینات تدفینی، خسویشن را در حضور خدایان جهان زیرین تصویر می‌کردند که تسایوسستن کامل به ابدیت با آنها در تماس مستقیم بودند. ما همچنین باید به آنچه در آرامگاهها منی بیسیم پردازیم، اما آن را به غلط تفسیر نکنیم. صحنه‌های مسحور کننده از زندگی روزمره را که دیوارهای عبادتگاههای کوچک تدفینی را تزیین می‌کنند و برخی از اشیاء مربوط به آیینهای پرستش را که در آنها باقی مانده‌اند، می‌بایست از یک دید استعاری به عنوان تصاویر نمادین مبارزات و فراز و نشیبهای «همه روزه» سفر از میان جهان زیرین متعلق به اوزیریس نگاه کرد، که به طور مطمئن شخص مرده با پیروزی از آنجا خارج شده و به ابدیت راه خواهد یافت.

این تصاویر ملهم از صحنه‌هایی از زندگی روزمره در سواحل رود نیل هستند. برای مثال مراسم تدفین ضیافتی است که مرده در آن به نوشیدن شراب الهی می‌پردازد. دسته نیهای پاپیروس یادآور سرزمینهای مردابی اولیه است که فرد مصری در جریان عروج به آسمان می‌بایست منظر تشکیل تدریجی آن باشد تصویری از شکار اسب آبی، یا به دام انداختن مرغابیهای وحشی، بیانگر خنثی کردن طلسمی است که شیاطین برای فرد مصری درست می‌کردند. ماهی اسرارآمیز که تورهایی برای صید آن گسترده شده همان سر نوشت است. برداشت غلات برای پخت نان و چیندن انگور جهت ساختن شراب اهدایی برای اوزیریس است. حضور گوساله‌ای کوچک حکایت از برآمدن دگربار خورشید دارد. از طریق این چشم انداز زنده و رنگین، که برای

► سر دختر جوانی به سبک عمارنه و از سنگ آهکی. دوره کوتاه عمارنه در زمان فرمانروایی اخناتسن (سلسله‌های جدید، حدود ۱۳۳۵ - ۱۳۵۳ ق.م)، که برای پنهان‌گذاردن پایتخت جدیدی در نزدیکی تل‌العمارنه امروزی، طه‌ورا رها ساخت، با پریدن از شیوه قراردادی سنتی، مهرانی از مجسمه‌سازی به سبک طبیعت‌گرا را برجای گذارد.



▲ نقاشی دیواری از مقبره رخمیری وزیر (سلسله هجدهم) در طیوه، که مرده را در حال لایققرانی در یک لایق کوچک از بایروس نشان می‌دهد که چند تن آنرا می‌کشند. محوطه آب، در میان باغی محصور، با ردیف درختان انجیر مصری و نخل خرما در میان گرفته شده است. در هنر سلسله‌های جدید طبیعت به گونه‌ای وسیع ارائه می‌گردد، و هنرمندان این دوره نسبت به اسلاف خود در انتخاب موضوع، به ویژه در تزئین مقابر، از آزادی بیشتری بهره می‌بردند.

اهداف مربوط به جهان دیگر طرح ریزی شده است، شاید بتوان تصویری کلی از مفهومی را به دست آورد که در آن «گوسفندان خدا»، آن گونه که مصریان باستان خود را می‌دیدند، می‌زیستند.

مصر سرزمینی کشاورزی بود و با چیزی اداره می‌شد که ژولیوس سزار (که خود آن را اقتباس و بر دنیای رومی تحمیل کرده بود) آن را «بزرگترین و هوشمندانه‌ترین سالنامه‌ها» نامید. این سالنامه با طیفان رود نیل تعیین می‌گردید که هر ۳۶۵ روز یک بار برای دربر گرفتن و حاصلخیز کردن زمینهای خشک آفتاب سوخته مصر (که هیچ آبراه دیگری نداشت و به معنی واقعی کلمه فاقد باران بود) اتفاق می‌افتاد.

نظم طیفان سالانه نیل از کهنترین ایام، یعنی از زمان شکل‌گیری تدریجی سالنامه مصریان باستان بر مبنای سه فصل چهار ماهه مد نظر مصریانی بوده که نسبت به محیط زیست خود بی‌اندازه حساس بودند، و ایمانی عمیق و

تزلزل‌ناپذیر به اصل تجدید ابدی داشتند.

الگوی روابط میان زن و مرد آن چیزی بود که گمان می‌رفت بر زوج الهی «کهنترین ایام» حاکم بوده و از برابری کامل برخوردار بوده است. زنان مصر باستان، به عکس بسیاری از زنان جوامع کلاسیک، از قدرتهای کاملاً قانونی برخوردار بودند. حتی یک زن شوهردار می‌توانست شخصاً به اداره ثروت خویش بپردازد، در بخشی از ثروت شوهر سهم باشد و ثروتش را آزادانه میان فرزندان خویش تقسیم کند. زن شوهردار «بانوی خانه» بود. وی شوی خویش را راهنمایی می‌کرد و در خوشبختی خانواده‌ای که او آن را اداره می‌کرد سهم بزرگی داشت. شوهر او را گرامی می‌داشت و به خاطر فرزندان که وی آرزوی داشتن شماری از آنان را می‌کرد، مورد احترام بود. او از این که خود را محور خانواده و جمع فامیل احساس کند خشنود بود. والدین توجه خویش را به گونه‌ای برابر به پسران و دختران معطوف می‌داشتند. به ظاهر شماری از فرزندان (به ویژه دختران) تعلیم و تربیت رسمی زیادی نمی‌گرفتند. با این حال، از آنجا که زنان مجاز بودند عهده‌دار پستهای اداری می‌شوند، در کار تجارت و حتی در حرفه‌های علمی شرکت جویند، برخی از دختران می‌بایست آموزش نسبتاً پیشرفته‌ای را دیده باشند. نخستین زن پزشک شناخته شده در تاریخ، خانم بسچت بود که در هزاره سوم ق.م در عصر اهرام در شهر ممفیس طبابت می‌کرد.

فرد مصری عمیقاً میهن پرست بود، اما به هیچ وجه از بیگانه نفرت نداشت. هر چند در دورانی اول به جریان

برخوردهایی که علت آن دفاع از مرزهای «سرزمین سیاه» آن گونه که در مصر باستان نامیده می‌شد، بود، مصریها اسیر می‌گرفتند، اما آنها اساساً مردمانی آرام بودند. جنگ برای آنها «یک روز بدبختی» بود. با اسرار با انسانیت رفتار می‌شد. در حالی که اسرار اغلب به سربازان و افرادی واگذار می‌شدند که آنها را به اسارت گرفته بودند، امکان آزادسازی آنها وجود داشت و حتی اجازه می‌یافتند با خانواده اسیر کننده خود ازدواج کنند. آنها در پرستش خدایان خود آزاد بودند.

همان‌گونه که در آغاز قرن حاضر تا حدودی در سواحل نیل رسم بود، ازدواج نیازی به انجام مراسم مذهبی با تأیید رسمی اداری نداشت. موافقت یک زن و مرد مایل به آغاز زندگی مشترک در برابر شهود تمهدی بود برخوردار از اهمیت زیاد اخلاقی. گاهی از اوقات ممکن بود قبایله‌ای تنظیم شود که در آن دارایی شخصی هر یک از طرفین تعیین گردد. قصد از این عمل در درجه نخست حفظ حقوق زن به هنگام طلاق بود، که امکان داشت از سوی هر یک از طرفین خواسته شود. از آنجا که طلاق مستلزم زبانی است که شوهر بر اثر پرداخت سهم زن (یا آن چه را که شوهر به عنوان سهم زن پذیرفته بود) از ثروت مشترک متحمل می‌شود، اگر ویرانگر نباشد می‌تواند پر هزینه باشد. به ظاهر همه این شرایط، همراه با ترکیبی از تضاد صحیح، به حفظ ثبات ازدواج کمک می‌کرد.

ساده‌ترین خانه‌های مسکونی همیشه شامل یک حیاط محصور بود که راه به یک اتاق نشیمن داشت. بناهای



اضافی در پشت خانه واقع شده بود. یک راه پله حیاط را به پشت بام متصل می کرد و پشت بام به ویژه محل ارزشمندی بود که خانواده می توانست شبهای گرم تابستان را در آنجا بگذرانند و از نسیم خنک هوا لذت برد. بقایای اقامتگاههای مصریان بسیار مستعمل نشان می دهد که این بناها نقشه های منطقی داشت که هزاران سال بدون تغییر باقی ماند. به استثنای یادمانهای مذهبی، که از سنگ (ساده ای اصیل و بادوام) ساخته می شد، چنان خانه هایی، مانند دیگر ساختمانها، از خشت خام، که از گل رودنیل با مخلوط گاه و خاکستر بود، ساخته می شد. عمارتهای بزرگ روستایی در املاک وسیع مشکل از سه بخش بود، که با نیازمندیهای زندگی روزمره مطابقت داشت. یک اتاق بزرگ و رودی منتهی به تالار مرکزی که سقف بلند آن بر یک یا چهارستون استوار بود. دیوارهای این اتاق پنجره های کوچک نرده دار داشت. در اینجا میهمانها و جشنهایی برگزار می شد که مصریهای باستان از آن لذت فراوان می بردند. اتاقهای کناری به صورت انبارها، ادارات یا اتاق منشیها یا خدمتکاران مورد استفاده

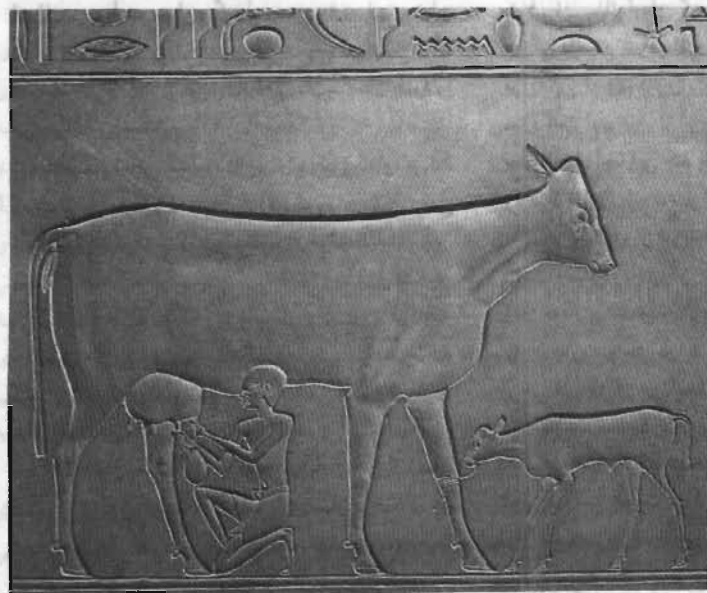
نزدیک بود، مورد استفاده قرار می گرفتند، در طیلهها نگهداری می شدند.

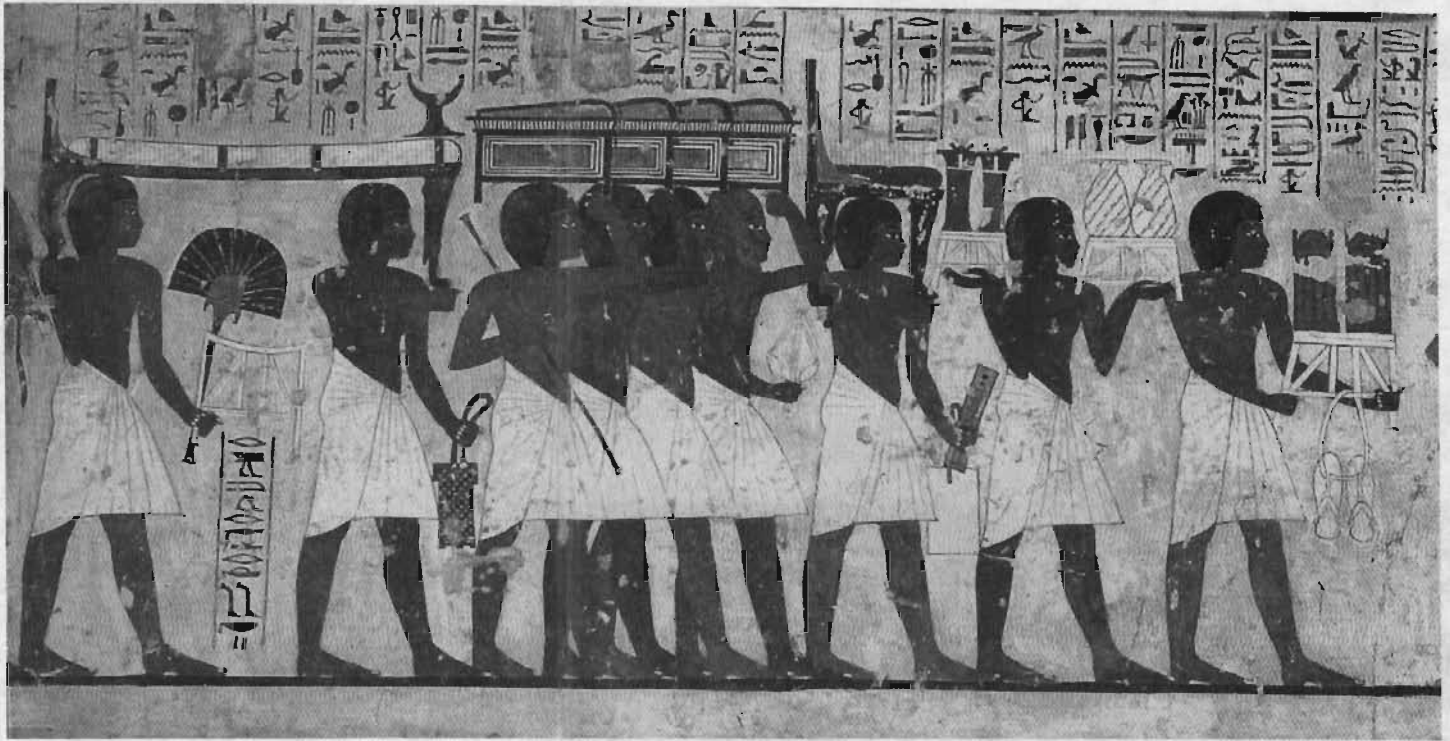
یک باغ با درختان چنار، بیدمجنون، گز و نخل، آمیخته با قطعات گلکاری شده و نیز داربستهای مسو و استخر آبی که خستگی را از تن به در آورد، رؤیای هر مصری بود. در شهرها که فضا محدود بود، باغها کوچکتر بودند و محوطه ای را که ساختمانهای چندین طبقه پیرامون آن اشغال می کرد، برابر با فضایی بود که در روستا یک بنای یک طبقه به تنهایی به خود اختصاص می داد. کارگاه نساجان در زیرزمینها واقع شده بود که بی شک برای نگهداری مواد غذایی و مشروبات به سردخانه مجهز بودند. آشپزخانه ها و انبارهای غله با بهار خواب در یک سطح قرار داشتند.

بسرها، چه از خانواده غنی یا فقیر، به مدرسه معبد می رفتند. متن یک کتیبه در باره پسر فقیری است که توانسته بود «به لطف لوح نویسی به باهای فرعون نزدیک شود». مادران هر روز دستمزد استاد را به صورت غذا به وی می دادند. محصولینی که از استعداد خاصی برخوردار

قرار می گرفتند. یک رشته پلکان به ایوان سرپوشیده ای راه می یافت که در طول اتاق ورودی بر پا شده بود. بخش سوم خانه برای زندگی خانواده در نظر گرفته شده بود و مشتمل بر یک اتاق نشیمن خودمانی در وسط، اتاقهایی که در آنها بچه ها در طول روزهای سرد زمستان کار یا بازی می کردند و اتاقهای خواب بود. یک بخش کامل با سیستم لوله کشی برای شستشو (به انضمام دوش)، تدهین، دستشویی شخصی و بهداشت اختصاص داشت. این املاک روستایی، که به صورت مراکز کوچک با اقتصاد خودکفا عمل می کردند، با بناهای اضافی برای چندین آشپزخانه، انبارهای غلات، یک نانوا، قصابی، آبجوسازی، و کارگاههای گوناگون، به انضمام یک کارگاه بافندگی که عمده ترین فعالیت زنان خانواده در همه طبقات اجتماع بود، تکمیل می شدند. دیگر فعالیتهای خانگی، به طور مشخص بخت و یز، (به استثنای نان پزی) را معمولاً مردها انجام می دادند. الاغها، و نیز اسبها، که در دوران سلسله های جدید به مصر راه یافتند و به طور عمده برای کشیدن ارابه های سبک، که خاستگاه آن نیز بخاور

تابوت سنگی یک بانوی درباری به نام کوریت Kawit، در صحن معبد تدفینی مستو حوتپ، (حدود ۲۰۱۰-۲۰۶۱ ق.م) در دیرالبحری، با نقوش برجسته ای تزیین شده است که یادآور زندگی روزمره آن شاهزاده و ادامه دهنده همین وضعیت در جهان دیگر است. تصویر سمت راست در بائین: شاهزاده آیین به دست بر صندلی بلند پشتی داری نشسته است، در حالی که یک ملازم طره های گیسوان او را مرتب می کند. شاهزاده فنجان شیر را که پیشکاری برای او ریخته است بر لبان خود نزدیک می کند. پایین، سمت چپ: گاو شیرده با گوساله ای که هنوز به پای او بسته است.





البته مهمترین این فرصتها جشن سال نو بود، زمانی که طغیان نیل زمینهای قابل کشاورزی را می‌بوشاند و کشاورزان را از کار در مزارع رها می‌ساخت. در این روز بزرگ و در طول هفته‌های بعدی مردم برای دیدار دوستان و منسوبین از دهکده‌ای به دهکده دیگر سفر می‌کردند تا به اتفاق احترامات خویش را به پیشگاه اجداد معظم و آفریدگاری تقدیم کنند که در اثر تجلی به موقع و الهی او خاک مصر یک بار دیگر غنی شده بود. ■

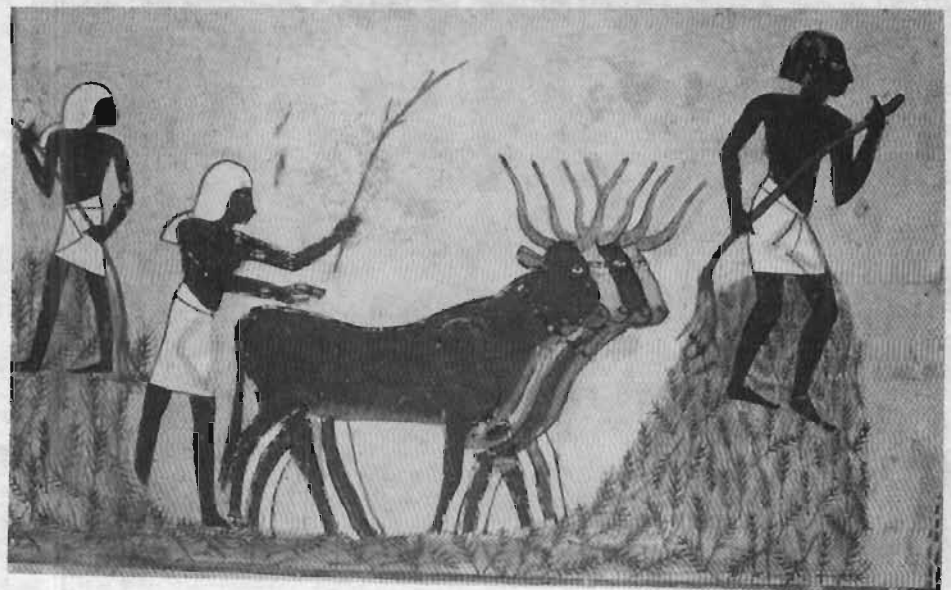
بودند چندین سال را در حوزه معابد می‌گذراندند. آشنا شدن با علائم بسیار خط هیروگلیف، مطالعه زبان مکتوب و ادبیات و حساب، هندسه و جغرافیا، همگی جزو مطالعات ثانوی بود، که در پایان آن محصلین موفق عنوان «کاتبی که به کسب لوح نایل گردیده است» به دست می‌آوردند.

آن‌گاه فارغ التحصیلان به مقامات اداری گمارده می‌شدند. محصلین به ویژه با استعداد ممکن بود برای تحصیلات بالاتر به یک «خانه زندگی» درون حوزه‌های معابد راه یابند، که در آنجا تعلیمات معماران بزرگ، دانشمندان (پزشکی، داروسازی، شیمی، نجوم یا هندسه) و ادبا، و فلاسفه و حکما ارائه می‌شد. دروس معمولاً با تمرینات عملی و کارهای آزمایشگاهی همراه بود.

در روزهای تعطیل تمام جمعیت برای برگزاری جشنهای بزرگ فصل آزاد بودند. آنها نمادهای خدایان را به قصد تهییج صفوف مردم و اجزاهای نمایشی از جایگاههای مقدس بیرون می‌آوردند و آنها را در قایقهای مقدس از میان انبوه مردم عبور می‌دادند.

بالا راست: تصویر دو کودک بر دیواری در مقبره راموس وزیر، فرماندار طیوه در زمان پادشاهی آخنوفیس سوم و آهنوفیس چهارم (آختائین)، حدود ۱۳۳۵ - ۱۳۹۱ ق.م. ظرافت چهره‌ها در این نقش برجسته‌های سنگ آهنکی از ویژگیهای سبک پرداخت شده دوره عمارت سلسله هجدهم است. بالاچپ: حرکت دسته جمعی در حال آوردن وسایل تدفینی به مقبره.

صحنه‌های کشاورزی که در مقبره یسقا، متاح اهل طیوه (سلسله هجدهم) نقش شده است. تصویر بانین خرمن‌گویی به کمک گاو را نشان می‌دهد.



کریستین دروش نوبل کور بازرس کل و رئیس افتخاری موزه‌های فرانسه است. خانم دروش نوبل کور پیش از آن مشاور یونسکو در مرکز اسناد مصر باستان در قاهره بود. او در تأسیس هیئت اعزامی بین‌المللی برای نجات یادمانهای نویبه سهیم بود و از همان آغاز به آن هیئت پیوست. خانم نوبل کور یکی از اعضای بنیانگذار مرکز فرانسوی - مصری در کرنک است و در حال حاضر کار تعمیرات در دره سلگه‌ها در الاقصر را رهبری می‌کند. کتب و مقالات منتشر شده بسیار او در باره مصر شناسی، کتاب زندگی و مرگ یک فرعون را در برمی‌گیرد، که انتشارات رینبرد لندن و گرافیک سوسایستی نیویورک آن را منتشر کرده‌اند.